ادامه از صفحه ۲

متخلفان بازار ارز چه‌کسانی هستند؟

با دستگیری عامل پوششی بانک مرکزی به دست پلیس و توقف این شیوه مداخله بانک مرکزی، بهای ارز دچار تکانه‌های شدیدی می‌شود و در ۶ ماه قیمت هر دلار از چهارهزارو ۹۰۰ تومان در اوایل فروردین سال ۱۳۹۷ تا اول مهر همان سال، به حدود ۱۸ هزار تومان می‌رسد. این واقعیت در نمودارهای افزایش قیمت ارز و علل و عوامل آن ملاحظه شده است.

موضوع اتهام پرونده حاضر که مدیران ارشد بانکی را محاکمه می‌کنند، افزایش قیمت ارز به ۱۸ هزار تومان یا غارت ارز و بازنگشتن ارزهای دریافتی از بانک مرکزی با ثبت سفارش‌های قلابی که از وظایف مراجع دیگر است، نیست؛ بلکه اتهام مدیران، صرفا عرضه ۱۸۰ میلیون دلار ارز از طریق پوششی از سوی بانک مرکزی است که چرا ارز از طرف فرد منتخب این بانک توزیع شده و به سیستم بانکی و صرافی‌ها برای عرضه تحویل داده نشده است.

در اینجا حاشیه بر متن چربیده و پرونده اتهامی مزبور تشکیل می‌شود. مستند کیفرخواست صادره علیه مدیران این است که طبق ماده ۲۸ آیین‌نامه اجرائی قانون پول‌شویی، هر ارزی که جز از طریق سیستم بانکی و صرافی‌ها توزیع شود، قاچاق است و باید طبق قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی مصوب سال ۱۳۷۴ عاملان آن محاکمه شوند. درحالی‌که قانون تعزیرات سال ۱۳۷۴ نسخ شده و قانون جدیدی حاکم بر قاچاق ارز و کالا شده است.

از طرف دیگر در ۶۰ سال گذشته یکی از راه‌های مداخله بانک مرکزی برای ثابت نگه‌داشتن نرخ ارز، توزیع آن از طریق پوششی بوده و این کار هم نه قاچاق تلقی شده و نه پول‌شویی بوده است. همان‌طور که گفته شد، این روش، هم در نیمه دوم سال ۱۳۹۶ موفقیت‌آمیز بوده و هم در دوره‌های قبلی که گفته شد. با این تفاوت که در آن سال‌ها ده‌ها میلیارد دلار از طریق پوششی تزریق شده و در سال ۱۳۹۶ فقط ۱۸۰ میلیون دلار از این طریق توزیع شده است.

چنان که هم‌اکنون نیز چنین روشی ادامه دارد و برای اینکه ماجرای اتهام مدیران قبلی بانک مرکزی تکرار نشود، این روش را به تصویب سران سه قوه رسانده و به تأیید مراجع عالی کشور هم رسیده است.

دادسرای تهران در صدور کیفرخواست بر این باور است که توزیع ارز در غیر از مجاری پیش‌بینی‌شده در ماده ۲۸ آن آیین‌نامه (سیستم بانکی و صرافی‌ها) قاچاق محسوب می‌شود و مدیران بانک باید با تصویب شورای عالی پول و اعتبار مبادرت به این اقدام می‌کردند. مدیران اسبق و سابق و کنونی بانک مرکزی این ادعا را قبول ندارند؛ زیرا اولا تنظیم مقررات مربوط به معاملات ارز با روش‌های توزیع ارز متفاوت است، ثانیا توزیع ارز از طریق پوششی و مستقیما از طرف خود بانک مرکزی و عوامل منتخب آن روشی بوده که در ۶۰ سال گذشته اجرا شده و آرای وحدت رویه دیوان عدالت اداری نیز آن را تأیید کرده است.

افزون بر این، قوانین و مقررات مختلفی در یک دهه گذشته تصویب شده که معاملات ارزی به صورت کلی و جزئی و به هرکس و هر شخص از اختیارات خاص بانک مرکزی است و محدود به دو راه پیش‌بینی‌شده در ماده ۲۸ آیین‌نامه‌ای که با نسخ قانون مرتبط با آن نسخ ضمنی شده است، نیست. به‌هرحال اگر قانون اجمال و ابهام داشته باشد، روش‌هایی برای تفسیر آن وجود دارد که یکی از این روش‌های تفسیر، سابقه و رویه اجرای آن است. شورای عالی بانک‌ها هم در ۶۰ سال گذشته متعرض توزیع ارز از طریق پوششی از طرف بانک مرکزی نشده است. در کیفرخواست نیز بارها تکرار شده که مدیران به قصد ثبات نرخ ارز این اقدامات را انجام داده‌اند که از نداشتن سوءنیت آنان حکایت دارد. همچنین اقدام مدیران بانک مرکزی و مداخله در بازار ارز و توزیع آن از طریقی غیر از سیستم بانکی و صرافی‌ها نه موجب زیان بانک مرکزی و سیستم بانکی و خزانه دولت شده و نه مجریان این روش شخصا یا منصوبان آنان منتفع شده‌اند. فعل یا ترک فعلی که به شخصی (حقیقی یا حقوقی) زیان مادی و معنوی وارد نکند؛ حتی اگر اجرای قانون هم نشده باشد، وصف مجرمانه ندارد و از مصادیق تخلف اداری و انتظامی محسوب می‌شود. در هیچ کشوری مدیرانی را که به منظور خدمت به کشور تخلف انتظامی کرده و سوءنیت هم احراز نشده است، مجرم نمی‌شناسند.

فکر می‌کنم اگر دوست محترم آقای دکتر احمدی این توضیح را بخواند و مستندات آن را هم ببیند، ملاحظه می‌کنند که نه فسادی از جانب مدیران صورت گرفته و نه ارزی برده شده است و نه آنان مسئول ثبت سفارش‌های واردات کالاهایی بوده‌اند که برای آن صدها میلیون دلار ارز اختصاص یافته و کالایی نیامده است. البته کسی که تخلف یا جرمی مرتکب و در دادگاه ثابت می‌شود، باید پاسخ‌گو باشد؛ ولی ما حقوق‌خوان‌ها حق نداریم قبل از اثبات جرم و تخلف کسی را محکوم کنیم یا جرمی را به او منتسب کنیم که گویند؛ اگر نوشم نه‌ای نیشم چرایی؟!

دستور تجدید ارزیابی دارایی‌های ایران‌خودرو و سایپا صادر شد

ورود دیوان محاسبات به ماجرای خودروسازان

عکس: حامد جعفرنژاد، تسنیم

لیلا مرگن: سهام دو غول خودروساز در آستانه واگذاری به بخش خصوصی قرار دارد. وزارت صمت تلاش می‌کند تا با واگذاری سهم دولت در این دو خودروسازی، فضای کار برای بخش خصوصی را هموار کند تا شاید این دو شرکت زیان‌ده که بر اساس صورت‌های مالی به‌ظاهر وضعیت مطلوبی ندارند، به سوددهی برسند اما نمایندگان مجلس، اعتقادی به زیان‌ده بودن ایران‌خودرو و سایپا ندارند. آنها بر این باورند که این دو خودروساز بزرگ، دارایی‌های زیادی دارند که اگر تجدید ارزیابی شود، این دو شرکت از حالت زیان‌دهی خارج می‌شوند. طبیعی است که خروج این دو شرکت از حالت زیان‌دهی بر قیمت واگذاری آنها تأثیرگذار خواهد بود. شاید به همین خاطر است که دیوان محاسبات به‌عنوان یک دستگاه ناظر در نامه‌ای به وزیر صمت خواستار تجدید ارزیابی دارایی‌های ایران‌خودرو و سایپا شده است. ازآنجاکه دولت سابقه خوبی در خصوصی‌سازی‌ها نداشته و در بسیاری از موارد ارزشی که برای یک مجموعه تولیدی تعیین شده با قیمت واقعی آن فاصله زیادی دارد، باید دید سرانجام بازبینی مجدد در دارایی‌های ایران‌خودرو و سایپا آیا منجر به ارزش‌گذاری مناسب برای سهام دولتی این دو خودروساز می‌شود یا نه.صنعت خودروسازی ایران در آستانه خروج کامل دولت از آن قرار دارد. بارها رضا رحمانی، وزیر صنعت، معدن و تجارت (صمت) وعده داده است که سهام دولت در این صنعت را بفروشد. از سوی دیگر مجلس هم دولت را مکلف به واگذاری سهام این دو خودروسازی کرده است. کارشناسان خودرو هم بارها به این نکته اشاره داشته‌اند که حضور دولت در صنعت خودرو و سرکوب قیمت‌ها و عوامل دیگر، این دو خودروساز را به مرز زیان‌دهی رسانده است. بنابراین انتظار می‌رود که با تسریع در خروج دولت از این صنعت، اندکی وضعیت تولید خودرو بهتر شود.

در آستانه واگذاری سهام دولت در صنعت خودروسازی با دو شرکت مواجه هستیم که بر اساس صورت‌های مالی زیان می‌دهند؛ بنابراین واگذاری سهام آنها باید با امتیازاتی برای خریدار همراه شود تا مشتری حاضر به خرید دو شرکت زیان‌ده باشد اما نمایندگان مجلس بر این باورند که زیان‌دهی شرکت‌های خودروساز با تجدید ارزیابی دارایی‌های آنها به سوددهی تبدیل می‌شود. شاید به همین خاطر هم دستگاه‌های ناظر به مسئله تجدید ارزیابی دارایی‌های دو خودروسازی بزرگ ایران پیش از اجرای تصمیم خصوصی‌سازی، ورود پیدا کرده‌اند. آن‌طورکه نادر قاضی‌پور، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس به خانه ملت اعلام می‌کند: دیوان محاسبات در نامه‌ای از وزیر صمت خواست پیش از واگذاری ایران‌خودرو و سایپا دارایی این شرکت‌ها تجدید ارزیابی شده و قیمت‌ها به روز شود.

به گفته قاضی‌پور ادعای ورشکستگی و زیان‌ده بودن خودروسازی‌ها به‌هیچ‌وجه پذیرفتنی نیست؛ چراکه این شرکت‌ها باید دارایی‌ها، ماشین‌آلات و تجهیزات خود را مجدد ارزیابی کرده و قیمت آنها را به روز و در صورت‌های مالی درج کنند.او می‌گوید: درصورتی‌که دارایی خودروسازان براساس دلار ۱۲هزارتومانی ارزیابی شود، ارزش آن بیش از بدهی آنها است؛ به همین دلیل دیوان محاسبات در نامه‌ای از آقای رحمانی، وزیر صمت خواست پیش از واگذاری ایران‌خودرو و سایپا دارایی این شرکت‌ها تجدید ارزیابی شده و قیمت‌ها به روز شود و پس از آن سهام دولت در خودروسازی‌ها از طریق بورس در چند مرحله واگذار شود.این عضو کمیسیون صنایع و معادن بر این باور است که خودروسازان تلاش می‌کنند خود را زیان‌ده نشان دهند تا تسهیلات بیشتری از دولت بگیرند. او بازار انحصاری خودرو، ممنوعیت واردات و تأمین تسهیلات چهار هزار میلیارد تومانی را ازجمله حمایت‌های دولت از خودروسازان اعلام می‌کند و تداوم ورشکستگی را عاملی برای دریافت حمایت‌های بیشتر معرفی می‌کند.

انتقال سهام خودروسازان به بانک‌ها

یکی از دارایی‌های ایران‌خودرو و سایپا بر اساس گفته‌های وزیر صمت، سهام بانک است. عبدالله رضیان، نماینده مردم قائم‌شهر و عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس در گفت‌وگو با «شرق» درباره این دارایی بیان می‌کند: بیش از آنکه خودروسازان سهام بانک داشته باشند، بانک‌ها در این صنعت، سهامدار شده‌اند.او ادامه می‌دهد: خودروسازان از بانک‌ها تسهیلات گرفته‌اند و نتوانستند بدهی‌های خود را پرداخت کنند؛ به همین دلیل بخشی از سهام خودروسازان به بانک‌ها منتقل شده است. البته در زمان تشکیل این دو شرکت خودروسازی یک مقداری از سودها به این سمت هدایت شده است اما درحال‌حاضر یک دهه است که وضع صنعت خودروسازی خوب نیست.نماینده مردم قائم‌شهر هم بر این باور است که اگر دارایی‌های خودروسازان با دلار ۱۲هزارتومانی محاسبه شود، مسئله زیان‌ده بودن خودروسازان منتفی می‌شود. اما ازآنجاکه این دو خودروساز حجم بدهی بالایی دارند، آورده کمی برای آنها باقی می‌ماند.او ادامه می‌دهد: ایران‌خودرو و سایپا هشت هزار میلیارد تومان به قطعه‌سازان بدهی دارند؛ اما ازآنجاکه قطعه‌سازان عموما شرکت‌های کوچکی هستند (به جز چند شرکت) کمتر زیان می‌کنند. خودروسازان مدعی هستند به خاطر تعیین قیمت خودرو (قیمت دستوری) مجبور هستند زیان بدهند تا تعادل بازار حفظ شود.این عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس به این پرسش که دولت چگونه می‌خواهد سهام دو خودروسازی ورشکسته را بفروشد، این‌گونه پاسخ می‌دهد: واگذاری سهام با این شرایط خیلی سخت است. اگر یک شرکت که توان این کار را دارد -مثل کروز که شرکت خودروسازی بم را خریده است و شرایطش را بهبود داده است- وارد عمل شود که ظرفیت و توان مناسب را از نظر تمکن و سرمایه در گردش داشته باشد، به نتایج مناسبی می‌رسیم.البته او یادآور می‌شود: دولت چندان تمایلی برای واگذاری ایران‌خودرو و سایپا ندارد و شاید شرایط واگذاری این دو خودروساز هم به سرنوشت استقلال و پرسپولیس دچار شود.رضیان اضافه می‌کند: سهام شرکت‌های خودروسازی چندین سال است که می‌خواهد به بازار عرضه شود؛ اما برای بخش خصوصی این امکان فراهم نمی‌شود و بهانه‌های مختلف پیش می‌آید.

تجدیدنشدن ارزیابی به‌دلیل خصوصی‌سازی

حمید گرمابی، نماینده نیشابور و دیگر عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، هم در گفت‌وگو با «شرق» درباره دلایل تجدیدنشدن ارزیابی دارایی‌های ایران‌خودرو و سایپا عنوان می‌کند: مطمئن نیستم ولی به‌هرحال صحبت‌هایی درباره اینکه شرکت‌های خودروسازی دولتی ما به بخش خصوصی واگذار شوند، مطرح شده است و شاید این یکی از دلایلی باشد که دارایی‌های این دو خودروساز تجدید ارزیابی نشده‌اند. باید دید چه مدتی تجدید ارزیابی نشده‌اند.به اعتقاد او تجدید ارزیابی ممکن است باعث خروج دو خودروساز از زیان‌دهی شود؛ زیرا ایران‌خودرو ۸۷ شرکت زیرمجموعه در تهران و دیگر مراکز استان دارد که هریک از این شرکت‌ها دارایی‌هایی دارند. سایپا هم دارایی‌هایی دارد که دقیق نمی‌دانم؛ اما این شرکت هم مشابه ایران‌خودرو در تهران و مراکز استان‌ها و شهرهایی که فعالیت می‌کند، املاکی به‌عنوان دفتر یا محل کار و تولید دارد. ممکن است اگر ارزش دارایی‌های این دو مجموعه خودروساز به‌روز شود، این شرکت‌ها حتی سودده شوند.گرمابی با اشاره به اینکه ایران‌خودرو و سایپا هر دو سهام بانک دارند، درباره جزئیات این مسئله صحبت نمی‌کند؛ اما تأکید می‌کند: سهام‌های بانک متعلق به این دو مجموعه ارزشمند است. خرید سهام بانک‌ها سبب می‌شود ایران‌خودرو و سایپا از بانک راحت‌تر تسهیلات بگیرند. سهام بانک‌ها به‌روز است و به‌عنوان تجدید دارایی‌ها حساب می‌شود.به گفته گرمابی اگر بانک‌ها سود تقسیم کنند، سهمی هم به سهام‌داران می‌رسد؛ در نتیجه از محل سهام بانک‌ها به خودروسازان سود می‌رسد؛ اما قطعا این سود هزینه‌هایی را که دارند، پوشش نمی‌دهد.واگذاری سهام بانک‌ها می‌تواند برای دو خودروساز نوسان مالی ایجاد کند؛ چون هم وام‌گرفتن را سخت می‌کند و هم سود سهام از منابع مالی این دو خودروساز حذف می‌شود.

تداوم خرید و فروش سهام ایران‌خودرو و سایپا

به نظر می‌رسد سرمایه‌گذار بخش خصوصی پس از واگذاری منابع درآمدی ایران‌خودرو و سایپا شامل اموال و دارایی‌هایی مانند سهام بانک‌ها، مایل به خرید سهام این دو شرکت نباشد؛ اما «ولی ملکی»، نماینده مشکین‌شهر و عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، در گفت‌وگو با «شرق» از عرضه بدون مشکل سهام این دو خودروساز در بورس خبر می‌دهد.او می‌گوید: سایپا بیش از ایران‌خودرو زیان‌ده است. ایران‌خودرو بعد از جریان تحریم دچار مشکل شد؛ اما پتانسیل‌هایی در این دو خودروسازی وجود دارد که می‌توانند دوباره توانمندی خود را بازسازی کنند. اگر با سیاست‌های وزارت صمت داخلی‌سازی بالا رود و تأمین قطعه شود، ایران‌خودرو و سایپا می‌توانند با ظرفیت کامل کار کرده و به سوددهی برسند.ملکی درباره تجدید ارزیابی دارایی‌های این دو خودروساز بزرگ و اثر آن روی زیان‌دهی آنها بیان می‌کند: تجدید ارزیابی دارایی برای بالابردن سرمایه ثابت شرکت و خارج‌شدن از زیان‌دهی در همه‌جا مرسوم است و دارایی‌های این دو شرکت قطعا افزایش قیمت داشته است.به گفته او درحال‌حاضر کمتر از ۲۰ درصد سهام ایران‌خودرو و سایپا دست دولت است و بقیه سهام متعلق به کارکنان این دو مجموعه، برخی قطعه‌سازان و مردم است.

این عضو کمیسیون صنایع اطلاع ندارد که آیا خودروسازان درخواستی برای تجدید ارزیابی دارایی‌های خود داده‌اند یا نه؛ اما انجام این مهم را برای اصلاح ساختار مالی ضروری می‌داند.

ادامه از صفحه اول

راست و چپ تخیلی در ایران

نظریه‌های رادیکال توسعه نیز به‌جای تکرار استناد به مقیاس جهانی- تاریخی، به‌طور مشخص به تبیین و ترسیم همین مسیر بر زمینه نظام جهانی سرمایه‌داری پرداخته‌اند. پس دعوت به بهشتِ سوسیالیسم دموکراتیک، دعوت به ناکجاآباد است نه توسعه. مارکس نیز در مانیفست خود دعوت عجولانه به سوسیالیسم را -قبل از تعریف ایجابی راه طولانی و غیرقابل جهشِ رسیدن به آن- سوسیالیسم تخیلی خرده‌بورژوایی می‌خواند که با احساساتی رقیق تنها به‌طور سلبی سرمایه‌داری را نقد می‌کنند و با بزرگ‌کردن خطر بورژوازی، مترسک مطلوب استبداد برای ترساندن مردم و تبعیت از خود می‌شوند.

سه، حال برای آنکه بدانیم بهره‌گیری از سرمایه‌داری علیه سرمایه‌داری توهم است یا نه، به مارکس در نبردهای طبقاتی در فرانسه رجوع می‌کنیم: مبارزه ضد سرمایه در شکل مدرن توسعه‌یافته‌اش، در نقطه اوج آن (یعنی) مبارزه مزدبگیر صنعتی ضد بورژوازی صاحب صنعت، در فرانسه رویدادی فرعی است؛ پس از ایام فوریه (۱۸۴۸) چنین رویدادی از آن رو نمی‌توانست تعیین‌کننده محتوای ملی انقلاب باشد که مبارزه ضد صور بهره‌کشی ثانوی سرمایه... برضد اشراف مالی بود. پس کاملا منطقی است که پرولتاریای فرانسه خواسته باشد از منافع خود در کنار منافع بورژوازی دفاع کند، به‌جای آنکه بخواهد منافع خود را در حکم منافع کل جامعه جا بزند و پرچم سرخ را جلوتر از پرچم سه رنگ برافرازد. کارگران فرانسوی قادر به برداشتن هیچ گامی به جلو، یا حتی کم‌کردن یک مو از سر بورژوازی نخواهند بود... پیش از آنکه انبوه ملت که میان پرولتاریا و بورژوازی قرار دارند... ناگزیر به پیوستن به پرولتاریا به عنوان پیشتاز خود شوند.

چهار، من مقاله قوچانی را مجموعه‌ای ناساز از سخنان درست و نادرست می‌دانم، اما تلاش مشایخی برای بازنمایاندن تناقضات اندیشه او و نیز تناقضات چپ‌گرایانی که به تفوق سرمایه نامولد بر سرمایه مولد و وجود بورژوازی ملی در ایران قائل‌اند، خود دچار کاستی‌ها و تناقضاتی اساسی است و نمی‌تواند در اندیشه و عمل از پس راست برآید که مقوم آن می‌شود. مبانی اصلی بینشی و منشی این تناقضات را در بندهای یک و دو پرداختم و اینک تجلی آنها را در استدلال‌های او نشان می‌دهم:

الف، هیچ‌گاه قبول نتیجه منطقی ناگزیر و گریزناپذیر قبول وجود تفوق سرمایه نامولد بر سرمایه مولد و وجود بورژوازی ملی در ایران این نیست که شرط کافی توسعه در ایران پیروزی بورژوازی ملی بر بورژوازی نوکیسه سوداگر است؛ و در نتیجه وظیفه سیاسی ما «دفاع از سرمایه‌داری در برابر سرمایه‌داری» است. همان‌طور وقتی لنین در دو تاکتیک سوسیال- دموکراسی در انقلاب دموکراتیک می‌گفت: فکر تجسس راه نجات برای طبقه کارگر در چیزی به‌جز ادامه تکامل سرمایه‌داری، فکری است ارتجاعی. در کشورهایی مانند روسیه آن‌قدر که به طبقه کارگر از کافی‌نبودن تکامل سرمایه‌داری آسیب می‌رسد از خود سرمایه‌داری نمی‌رسد. ازین‌رو وسیع‌ترین، آزادترین و سریع‌ترین تکامل سرمایه‌داری مورد علاقه مسلم طبقه کارگر است... انقلاب بورژوازی از لحاظ معینی برای پرولتاریا بیشتر سودمند است تا برای بورژوازی. منظورش دفاع مطلق طبقه کارگر از سرمایه‌داران یا انحلال سیاسی احزاب چپ نبود. تنها کسانی که دیدگاهی به‌شدت اکونومیستی و منطقی صوری دارند (چه چپ چه راست) ضرورت تاریخی آزادترین و سریع‌ترین تکامل سرمایه‌داری را در یک جامعه، با نفی موضع مستقل طبقه کارگر و دیگر اقشار پیشرو اشتباه می‌گیرند. راست‌ها و نیز چپ‌های تسلیم‌طلب (شبیه منشویک‌ها) می‌گویند اگر چنین است، هر موضعی مستقل راه توسعه را مسدود می‌کند. چپ‌هایی که در واقع همان باور را دارند، برای فرار از آن مجبور می‌شوند بگویند در یک کشور پیرامونی با شرایط ایران چیزی به‌نام بورژوازی ملی نمی‌تواند شکل بگیرد و اصولا وجود بورژوازی ملی را در ایران افسانه دانسته؛ چین را هم سرمایه‌داری دولتی بخوانند که زدن چنین برچسبی آرزوی هر راستی است. نقل‌قول‌های بسیاری از همه نظریه‌پردازان چپ درباره نادرستی این احکام می‌توان آورد که در حوصله این پاسخ نیست. پاسخ به کوتاهی این است که مارکسیسم می‌گوید درک ضرورت مایه آزادی است و چون نمی‌توان از سرمایه‌داری به سوسیالیسم دموکراتیک جهش کرد، الزاما توسعه جامعه ما نیز در گروی آزادترین و سریع‌ترین تکامل سرمایه‌داری است. حال با درک این ضرورت با روش‌شناسی دیالکتیکی لنین، اگر نیروهای پیشرو برای چنین تکاملی که برای مردم منافعش بیشتر از خود بورژوازی هم می‌تواند باشد، تلاش کنند، هم راه تکامل جامعه را کم‌درد و رنج‌تر می‌کنند و هم «هژمونی» لازم را برای پیمودن راه طولانی سوسیالیسم به‌دست می‌آورند. البته همان‌طور که لنین معتقد بود، این نه یک توطئه بلکه توافق است. به علاوه تضمینی ندارد که حتما این هژمونی به دست آید. ولی این دلیل کنارگذاشتن ضرورت نمی‌شود، چون هر درجه از تکامل سرمایه‌داری به منزله یک درجه نزدیک‌شدن به سوسیالیسم هم هست و به همان میزان از درد و رنج مردم در تکامل تاریخی می‌کاهد. بدیهی است که این منطق دیالکتیکی را راست متوجه نشود؛ اما بر چپی که خطر تدریس کتاب سرمایه را می‌پذیرد، روا نیست.

ب، درباره چین به کوتاهی بگوییم که اکنون تضاد عمده بیرونی چین بین توسعه اقتصاد سوسیالیستی و رشد در اقتصاد جهانی‌شده سرمایه‌داری، و تضاد درونی آن بین سوسیالیسم دموکراتیک و شبه‌دموکراتیک کنونی برای کامل‌شدن مدیریت اجتماعی تولید است. در این میان از آنجا که تضاد درونی مقدم است، حل تضاد بیرونی به درونی وابسته است. البته از آنجا که هیچ‌کدام از این تضادها اکنون برای چین آنتاگونیستیک نیست، به حل فرایاز آنها امید بیشتری می‌توان داشت، هرچند تاریخ به هیچ‌کس تضمینی نداده و نمی‌دهد.

پ، اعتقاد به افسانه‌بودن بورژوازی ملی در ایران و تقلیل آن به دعوای جناحی دیگر نوبر تحلیل در این زمینه است. من به این اکتفا می‌کنم که ایران اولین کشور پیرامونی است که در آن ابتدا انقلاب دموکراتیک مشروطه به پیروزی رسید و بعد ملی‌کردن نفت که هردو توسط نمایندگان بورژوازی ملی به انجام رسیده است. شکست‌های سیاسی آنها هم مهم نیست و ماهیت قضیه را عوض نمی‌کند، چون انقلاب بورژوایی فرانسه هم یک قرن دچار شکست بود. اما بزرگ‌ترین تناقض وی (که به بند الف برمی‌گردد) در همین نفی ریشه دارد: به قول مارکس و لنین، سرمایه یک رابطه اجتماعی است که زیرساخت‌های سخت و نرم آن (بازار، بانک، حق مالکیت، رابطه قانونی کار و سرمایه، بندر و...) در چارچوب ملی برپا می‌شود. شکل‌گیری همه کشورهای سرمایه‌داری و حتی بازگشت دولت حمایتگر ترامپ مؤید نظر آنها و همه نظریه‌پردازان وابستگی و توسعه است. از آنجا که جهیدن از سرمایه‌داری ناممکن است، اگر بورژوازی ملی در چارچوب دولت ملی موجودیت نیابد، شکل‌بندی اقتصادی- اجتماعی سرمایه‌داری ظهور نخواهد کرد و برپایی سوسیالیسم در کشوری عقب‌مانده ممکن نیست. نتیجه اینکه سوسیالیسم دموکراتیک مشایخی نیز هیچ‌وقت در کشورهای پیرامونی مانند ایران قابل تحقق نخواهد بود. یعنی مشایخی با افسانه و غیرممکن دانستن بورژوازی ملی، سوسیالیسم دموکراتیک را به رؤیا و تخیلی غیرممکن‌تر تبدیل می‌کند. پس حتی اگر حرف مشایخی درباره افسانه‌بودن بورژوازی ملی در ایران صحت داشته باشد، برای تحقق سوسیالیسم دموکراتیک، وی جلوتر و پیگیرتر از همه راست‌ها برای ظهور آن باید بکوشد!

ت، مارکس در مانیفست گفته بود بورژوازی در پی جهانی‌شدن است: بورژوازی با توپخانه کالای ارزان دیوار چین را فرو می‌ریزد. اما اکنون این چین است که با توپخانه کالای ارزان، اقتصاد ایالات متحده آمریکا را چنان فرو ریخته که می‌خواهد دور خود دیوار تعرفه بکشد. این به قول انگلس طعنه تاریخ است. باید به مشایخی گفت که نظام اقتصادی جهانی (که مساوی امپریالیسم اقتصادی هم نیست) به سوی چندقطبی‌شدن پیش می‌رود که یکی از اقطاب آن چین شده است، سرمایه‌داری دولتی بودن یا نبودن آن هم فرقی ندارد. به قول تنگ شیائوپینگ، گربه باید موش بگیرد، چه سیاه باشد چه سپید! در این میان به قول سمیر امین کشورهای پیرامونی مانند ایران در متن این نظام جهانی‌شده سرمایه‌دارانه باید برای جهانی‌شدن توافقی (negotiated globalization) تلاش کنند که در صورت حصول به آن، جهان خواهد توانست راه طولانی سوسیالیسم را بپیماید. اشتباه بزرگ و مشترک قوچانی و مشایخی این است که دولت توسعه‌بخش (developmental state) را که اقتصاددانان توسعه، کشورهای ژاپن، کره‌جنوبی و... و چین را با همه تفاوت‌های آنها دارای آن دانسته‌اند، با دولت رانتیر یکی دانسته و سرمایه‌داری دولتی می‌خوانند. این خصلت‌نمای راست و چپ تخیلی در ایران است. در این میان به نظر می‌رسد راست تخیلی ریگی به کفش دارد، چون به نام حمایت از بورژوازی ملی به جای اندک درافتادنی با بورژوازی رانتی سوداگر (با خودش در دولت و با بورژوازی مستغلات رانتی) به کوبیدن حماسه‌های رهایی‌بخش ملی می‌پردازد؛ گویا نمی‌داند یا نمی‌خواهد بداند بورژوازی ملی بدون پشتیبانی (نه تابعیت) طبقه کارگر و متوسط مستقل و بدون حماسه انقلابی، امکان شکل‌گیری ندارد. چپ تخیلی نیز در نقطه مقابل به دنبال جهیدن به ناکجاآبادی تعریف‌نشده و تاکنون ناموجود در جهان، به نام سوسیالیسم دموکراتیک است. رویکردی که مارکس در ایدئولوژی آلمانی، آن را نشاندن تحلیل فلسفی- انتزاعی به جای واقعیت می‌خواند. شاید از همین روست که این روزها جامعه فریاد برمی‌آورد: به کجای این شب تیره بیاویزم قبای ژنده خود را؟

خبر روز

در نامه جمعی از فعالان اقتصادی کشور به رئیس قوه قضائیه مطرح شد

عراقچی در تمام سمت‌هایی که داشته، از تخلف مبرا بوده است

• جمعی از صاحب‌نظران، فعالان و مدیران اقتصادی کشور در نامه‌ای به سیدابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه، به صحت عملکرد سیداحمد عراقچی، معاون ارزی پیشین رئیس کل بانک مرکزی شهادت دادند.به گزارش افکارنیوز، این افراد در این نامه تأکید کردند: «اگر درستکاران به این نتیجه برسند که قبول مسئولیت در شرایط بحرانی کشور، صرفنظر از عملکردشان به احتمال زیاد با عواقب ناگوار همراه خواهد بود، یقیناً فساد کاهش نخواهد یافت و مدیران شجاع و باتدبیر از پذیرش مسئولیت‌های حساس شانه خالی خواهند کرد». آنان همچنین خطاب به رئیس قوه قضائیه تصریح کردند: «معتقدیم اگر خدای‌ناکرده صرفاً برای التیام فشارهای روانی و اقتصادی جامعه، افرادی در مسئولیت‌های حساس یا با اسامی شناخته‌شده مجازات شوند، انصاف و عدالت آسیب خواهد دید و ضربه به انصاف افزایش‌دهنده فساد است نه ازبین‌برنده آن».

متن کامل این نامه به این شرح است:

حضور محترم حجت‌الاسلام‌والمسلمین جناب آقای رئیسی

ریاست محترم قوه قضائیه

با سلام و احترام،

اینجانبان امضاکنندگان ذیل این نامه به استحضار می‌رساند در سالیان گذشته در مناصب و مسئولیت‌های متفاوت در دوره‌ای از نزدیک با آقای سیداحمد عراقچی تعامل داشته‌ایم. این تعامل در بعضی موارد در سمت مشتری، کارفرما، همکار، ناظر یا رقیب بوده است.

به سبب شناخت کافی که از شخصیت و منش رفتاری آقای عراقچی در طول سالیان گذشته برای اینجانبان ایجاد شده است بر ذمه خود می‌دانیم که شهادت دهیم که ایشان در تمام مناصب و سمت‌هایی که داشته است از تخلف و تقصیر و از تضییع حقوق افراد مبرا بوده است. هم‌اکنون اطمینان کامل داریم که ایشان در مسئولیت خود به‌عنوان معاونت ارزی بانک مرکزی نیز، جز در قالب سیاست‌های مورد قبول دولت و نظام و جز در جهت منافع و مصالح کشور و آحاد ملت عمل نکرده است.اینجانبان خود متأثر و صدمه‌دیده از نوسانات نرخ ارز هستیم و از مطالبات عمومی و ناراحتی جامعه از نوسانات نرخ ارز در دو سال گذشته آگاهیم. همچنین خود بر مبارزه شدید و قاطع با فساد در هر کجا که باشد تاکید داریم. ولی معتقدیم اگر خدای‌ناکرده صرفاً برای التیام فشارهای روانی و اقتصادی جامعه، افرادی در مسئولیت‌های حساس یا با اسامی شناخته‌شده مجازات شوند، انصاف و عدالت آسیب خواهد دید و ضربه به انصاف افزایش‌دهنده فساد است نه ازبین‌برنده آن.

معتقدیم افزایش افسارگسیخته نرخ ارز در این دوره کوتاه تحت‌تأثیر عوامل مختلف سیاسی و اقتصادی بوده که عمدتاً خارج از اختیار معاونت ارزی بانک مرکزی بوده است.

اگر درستکاران به این نتیجه برسند که قبول مسئولیت در شرایط بحرانی کشور، صرفنظر از عملکردشان به احتمال زیاد با عواقب ناگوار همراه خواهد بود، یقیناً فساد کاهش نخواهد یافت و مدیران شجاع و باتدبیر از پذیرش مسئولیت‌های حساس شانه خالی خواهند کرد.

از این حیث امیدواریم شهادت اینجانبان درخصوص آقای عراقچی به قضات محترم رسیدگی‌کننده به پرونده ایشان کمک نماید تا همانطور که مورد انتظار است، رسیدگی صرفا بر مبنای انصاف و اصول کارشناسی انجام شود.

با احترام و ارادت

علی سعیدی، حسین فهیمی، محمد فطانت، سیدروح‌الله حسینی‌مقدم، احمد عزیزی، شاهین چراغی، حمید آذرخش، مجید زمانی، علی تیموری‌شندی، محمد عابد، فرزانه شرفبافی، مرتضی اثباتی، محسن خدابخش، روح‌الله دهقان، حیدر فروغ‌نژاد، حسین خزلی‌خرازی، عرفان لاجوردی، علی نوریان، مونا حاجی‌علی‌اصغر، مطهره مروج، علی گشاده‌فکر، شهرام سیدشاکری، میثاق احمدی، سعید رضوانی‌فرد، احمد عشقی، امیر باهر، کریم امرائی، امیر سپهرام، هومن منصور، بهنام محسنی، محمد فتح‌الهی، احسان خامس‌پناه، سیدمصطفی مسعودپناه، هانی شهری، محمد پارسا، حمیدرضا عبدالله‌پور، میثم خیرخواه، علی قاسم‌نژاد، نیلوفر احدیان، محمد صولی، جواد فرهانیان، مهدی سیف‌اللهی، کوروش شمس، حبیب‌الله فدایی‌مولودی، مهرداد فرح‌آبادی، امیر یوسفیان‌پور، افسانه اروجی، افسانه لک‌تبریزی، مسلم پیمانی، محمد قاسمی، باقر نخجوانی، احمد سحرخیز، مریم رفیع‌زاده و امیر سیدی